با وجود تهدیدهای ترامپ به حمله رخ داد

زمینه‌سازی غافلگیری کشور با خوش‌خیالی درباره همکاری نفتی آمریکا و ایران

خالی‌فروشی چندین‌باره دستاوردهای برجامی به مردم باز هم ادامه دارد؛ پس از معاون وزیر امور خارجه، وزیر نفت هم از احتمال همکاری ایران و آمریکا در حوزه نفت وگاز باتوجه به تداوم مذاکرات هسته‌ای خبر داد.

به گزارش خبرنگار ما، «محسن پاک‌نژاد» درباره احتمال همکاری ایران و آمریکا در حوزه نفت و گاز باتوجه به تداوم مذاکرات هسته‌ای دو کشور اظهار داشت: همه چیز محتمل است.

وزیر نفت تصریح کرد: اینکه همکاری نفت و گازی تهران و واشنگتن اکنون عملیاتی شود یا خیر، مشخص نیست.

این ادعاها درخصوص همکاری با آمریکا در حالی‌است که اخیرا هم «حمید قنبری» معاون دیپلماسی وزارت امور خارجه در جلسه‌ای در اتاق بازرگانی ایران در توضیح جزئیات مذاکرات گفت: منافع مشترک در حوزه‌های نفت و گاز، میادین مشترک، سرمایه‌گذاری‌های معدنی و حتی خرید هواپیما در متن مذاکرات گنجانده شده است.

او همچنین گفته بود که آمریکا در توافق هسته‌ای قبلی از نظر اقتصادی سود نبرد، اما این بار برای پایداری توافق، ضروری است که آمریکا هم بتواند در حوزه‌هایی با بازده اقتصادی بالا و سریع بهره‌مند شود.

به گفته قنبری منابع بلوکه شده نیز بخشی از توافق خواهند بود و آزادسازی آن‌ها باید واقعی و قابل استفاده باشد، نه صرفاً نمادین یا مقطعی.

گفتنی است، مذاکره با آمریکا، برای برخی مدیران و مسئولان به ماده‌ای مخدر برای رفع خماری تبدیل شده است. در مذاکرات خردادماه که منجر به حمله اسرائیل و آمریکا در وسط مذاکرات شد هم عده‌ای وعده سرمایه‌گذاری ۲۵۰۰ میلیارد دلاری آمریکا را می‌دادند و موجب رؤیایی شدن بخشی از فضای کشور و در نتیجه، غافلگیری ملی شدند.

حال این پرسش مطرح می‌شود که منظور از منافع مشترک در متن مذاکرات گنجانده شده است یعنی چه؟ ما اکنون در سال‌های پیش از امضای برجام نیستیم که عده‌ای غربگرا با رسانه‌های مدعی اصلاحات و اعتدال بخواهند مذاکرات را بزک کنند، برای آن دستاورد ردیف کنند و با ادعای رفع تحریم، بازگشت ۱۵۰ میلیارد دلار اموال بلوکه‌شده ایران، خرید ۲۰۰ فروند هواپیما، کاهش نرخ دلار ۳۷۰۰ تومانی به ۱۰۰۰ یا ۵۰۰ تومان و... که خروجی روند تله‌گذاری و شیرین‌سازی برجام (به اعتراف مدیرمسئول روزنامه شرق) بود، فضاسازی کنند.

مدعیان اصلاحات برای جا انداختن برجام، دروغ‌های زیادی گفتند و خالی‌فروشی کردند. برجام طبق وعده چندباره شخص روحانی قرار بوده همه تحریم‌های مالی و بانکی و نفتی را در روز اجرای توافق (۲۷ دی ۱۳۹۴) یک‌جا لغو و نه تعلیق کند وگرنه دلیلی نداشت دولت امتیاز بدهد و ۹۵ درصد برنامه هسته‌ای را تعطیل کند.

امتیازات نقد و بازگشت‌ناپذیری مانند ویرانی راکتور آب‌سنگین اراک، از هم گسیختن ۱۵ هزار سانتریفیوژ فعال از مجموع ۱۹هزار سانتریفیوژ، خارج کردن ۹۷۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده از ایران و تعیین سقف ۳۰۰ کیلوگرمی و... را واگذار کنند که مثلا تحریم‌های با عنوان هسته‌ای تعلیق شود و همان تحریم‌ها با برچسب و عنوان دیگر برگردد و مثلا در روند پسابرجام، ۷۰۰ تحریم به ۱۵۰۰ تحریم تبدیل شود!

کاهش ارزش پول ملی غیرمنطقی است

ضرورت اصلاح رویکردهای دولت برای تقویت ارزش پول ملی

سرویس اقتصادی-

کاهش ارزش پول ملی غیرمنطقی است و اصلاح رویکردهای دولت با خنثی‌سازی اقدامات بیرونی و داخلی دشمن، برای تقویت ارزش پول ملی ضرورت دارد.

به گزارش کیهان، کاهش غیرمنطقی و شدید ارزش پول ملی، موجب کاهش شدید قدرت خرید مردم شده است. دولت چهاردهم در بدترین زمان ممکن و به بهانه‌های مختلف از جمله حذف رانت، تک‌نرخی‌سازی ارز یا کمبود منابع ارزی، تصمیم به حذف ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی گرفت و ادعا کرد که قیمت ارز و اقلام و کالاها با این اقدام پایین می‌آید، اما همانند سال ۱۴۰۱ و دوره‌های قبل‌تر، دقیقاً برعکس شد و تمام قیمت‌ها به‌شدت افزایش یافت؛ به‌طوری‌که تورم نقطه‌به‌نقطه دی‌ماه به ۶۰ درصد و تورم اقلام خوراکی به ۹۰ درصد رسید. همه این‌ها به دلیل کاهش ارزش پول ملی و افزایش نرخ ارز رخ داد.

دولت به هر نفر یک میلیون تومان کالابرگ داد که ارزش آن حدود شش دلار است و با ترمیم قدرت خرید مردم، به‌شدت فاصله دارد. ضمن اینکه برای کنترل اوضاع، دولت نرخ ارز ترجیحی ۱۱۲ هزار تومانی را جایگزین کرده و تعداد نرخ‌های ارز بیشتر از قبل شده است.

با افزایش قیمت رسمی مرغ به ۲۹۷ هزار و ۵۰۰ تومان که از سوی وزارت جهاد کشاورزی اعلام شده، کاملاً اثبات شد که ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی به هدف اصابت کرده بود. مرغ در تابستان کیلویی ۸۰ هزار تومان بود که در مهرماه به ۱۱۵ هزار تومان رسید و دلیل آن از سوی وزارت جهاد کشاورزی، کاهش تولید ناشی از قطع برق و گرما عنوان شد، اما برخی فعالان، کمبود و گرانی نهاده را دلیل آن دانستند. این کمبود ناشی از بازگشت انحصار در واردات نهاده از سوی وزارت جهاد کشاورزی دولت چهاردهم رخ داد.

اکنون برخی می‌گویند یارانه را حذف نکردیم؛ بلکه در زنجیره عقب و جلو کردیم و فکر می‌کنند استدلال منطقی می‌آورند، اما واقعیت این است که با حذف ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی و انتقال همه معاملات ارزی به تالار دوم، قیمت ارز به ۱۶۲ هزار تومان رسیده است.

قیمت ارز که در روزهای پایانی سال ۱۴۰۳ از ۹۰ هزار تومان عبور کرده بود؛ تا اوایل مردادماه، با وجود وقوع جنگ ۱۲ روزه، در کانال ۸۰ هزار تومان بود، اما از مردادماه به بعد سیر صعودی پیدا کرد. با این‌حال جهش قیمت، پس از بازگشت همتی به دولت و همراهی مدنی‌زاده در وزارت اقتصاد و پورمحمدی در سازمان برنامه برای حذف ارز ترجیحی رخ داد.

دولت، تحت تأثیر مشکلاتی که دشمنان ایجاد کرده‌اند و مشاوره کسانی که برخی آن‌ها را مشکوک و مرموز می‌دانند و برخی آن‌ها را عامل دشمن؛ کشور را در زنجیره‌ای از بحران‌ها قرار داده و به دنبال ادامه سیاست‌های اقتصادی شوک‌درمانی است. متأسفانه بخشی از افراد مؤثر در مجلس هم با این سیاست‌ها همراه شده‌اند.

قیمت همه اقلام اساسی دو تا سه برابر افزایش یافته و این در حالی است که هنوز ذخایر کالایی با نهاده تأمین‌شده با ارز ترجیحی یا ترکیبی در بازار وجود دارد و هنوز تولیداتی با ارز ۱۱۲ تومان به بالا، کاملاً فراگیر نشده است. ضمن اینکه با وجود کاهش سفرها به دلیل پایین آمدن قدرت خرید؛ قیمت بلیت اتوبوس هم ۲۵ درصد افزایش یافته و امکان سفر برای بخش زیادی از طبقه ضعیف و متوسط از بین رفته است.

چرا ارزش پول ملی کاهشی شد؟

دلایل تورم و افزایش نرخ ارز که معادل سقوط ارزش پول ملی محسوب می‌شود را می‌توان به‌طور کلی در دو بخش دسته‌بندی کرد؛ نخست توطئه دشمن در خارج و داخل کشور و دوم، سیاست‌گذاری اقتصادی دولت.

اثبات بخش نخست کار پیچیده‌ای نیست. خود مسئولان غربی بارها به این موضوع اشاره کرده‌اند. اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا ماه گذشته مدعی شد که واشنگتن کمبود دلار را مهندسی کرده تا ریال ایران را به سقوط آزاد بکشاند و بدین وسیله معترضان را در ایران به خیابان‌ها بکشاند. همان حرفی که چند سال قبل، جیمز ریکاردز از مشاوران اقتصادی دستگاه امنیتی آمریکا گفته بود.

کمبود دلار به‌طور همزمان دو مسیر اصلی ورود ارز به کشور یعنی صادرات نفت و دسترسی سازوکار پرداخت بانکی بین‌المللی را مهندسی می‌کند. ایالات متحده برای رسیدن به این هدف، مشتریان نفت ایران را به اقدامات تنبیهی و پرداخت تعرفه تهدید کرد. بنابراین وابستگی ایران به درآمدهای نفتی باعث شده کشور با مشکلاتی مواجه شود.

موضوع قیمت‌سازی در کانال‌های تلگرامی که از خارج مدیریت می‌شود هم موضوعی نیست که بتوان از نقش‌آفرینی آن در بازار ارز چشم‌پوشی کرد. دی‌ماه سال گذشته بود که محمدرضا فرزین، رئیس کل سابق بانک مرکزی خبر داد: «کانال بن‌بست که از ۹ صبح برای همه صرافی‌های ایران نرخ دلار تعیین می‌کند در آمریکا ثبت شده و همه سرورهای آن هم در آمریکا است. تمام تجهیزات در آمریکاست. این کانال به بازار ما علامت می‌دهد و صرافی‌ها از آن نرخ می‌گیرند.»

البته بر اساس ادعای خود غربی‌ها و صهیونیست‌ها، عوامل آن‌ها در داخل هم بیکار ننشسته‌اند؛ «محمد خوش‌چهره» اقتصاددان و نماینده پیشین مجلس درباره زمینه‌های اعتراضات اخیر به ایرنا گفت: «اعتصاب و اعتراضات ابتدا ناشی از فشار اقتصادی بود، بعد آمدند به سرعت سوار این اعتراضات شدند و سازماندهی کردند. خودشان مثلاً وزیر جنگ سابق اسرائیل یا نماینده دائمی اسرائیل در سازمان ملل اذعان کردند که نیروهای زبده ما در ایران دارند عملیات انجام می‌دهند و موفق می‌شوند. پس جریانی سوار این موضوع شده که قیمت‌ها بالا رفته است.»

گل به خودی دولتی‌ها

در مورد خطاهای سیاست‌گذاری مسئولان نیز همه چیز عیان است. اصرار عجیب دولت بر استفاده از افراد یک جریان فکری که اعتقاد به سیاست شکست‌خورده و ناکارآمد شوک‌درمانی دارد، زمینه را برای فشار معیشتی سنگین به مردم فراهم کرده است. نتیجه این سیاست‌ها پیش از این در بیان مواردی از وضعیت امروز قیمت‌ها و تورم بیان شد.

دولت، تحت تأثیر مشاوران خطرناکی است که خود را اقتصاددان جا زده و با زمینه‌سازی برای آزادسازی ناگهانی نرخ ارز، جرقه اعتراضات دی‌ماه را زدند و با توجیه سیاست‌های شوک‌درمانی، به‌راحتی از کشته شدن مردم و تجربه میدان تین‌آنمن در چین به عنوان هزینه‌های اجتناب‌ناپذیر آزادسازی قیمت‌ها سخن می‌گویند.

گرد هم آمدن همتی در بانک مرکزی، مدنی‌زاده در وزارت اقتصاد و پورمحمدی در سازمان برنامه از همان ابتدا دولت را به سمت بیراهه کاهش ارزش پول ملی و جهش تورمی برد.

امثال پورمحمدی و مدنی‌زاده با بهانه‌های نخ‌نمای حذف رانت - موضوعی که هیچ‌وقت آن‌طور که وعده می‌شود رخ نداده - و پس از بارها تجربه‌های شکست خورده، صراحتاً از حذف یارانه‌ها و تعدیل قیمت‌ها سخن می‌گویند.

ضلع دیگر این مثلث عبدالناصر همتی است که حالا فرمانده اقتصادی دولت شده است. او پس از برکناری از وزارت اقتصاد، در حالی با وعده‌های بزرگی به ریاست بانک مرکزی رسید که بازگشت او نوعی دهن‌کجی دولت به مجلس و وفاق‌شکن بوده است و نگرانی‌ها و پیش‌بینی‌ها درباره افتادن بازار ارز به دور باطل گذشته، حالا محقق شده است.

عبدالناصر همتی از مرداد ۱۳۹۷ سکان بانک مرکزی را با دلار ۹ هزار تومانی در دست گرفت و با دلار ۳۰ هزار تومانی در تابستان ۱۴۰۰ تحویل داد. در چنین شرایطی، رئیس‌کل جدید بانک مرکزی در پاییز ۱۴۰۴ وعده داد: «به مردم قول می‌دهم ثبات اقتصادی را فراهم کنیم. مهار تورم مهم‌ترین وظیفه بانک مرکزی است».

او افزوده بود: «در برنامه داریم رانت ارز چندنرخی را به تدریج جمع کنیم که خود این از دلایل ناترازی است. یکی از دلایل التهابات بازار ارز، چندنرخی بودن، رانت، فساد و سفته‌بازی در بازار است. تمام تلاش خود را می‌کنم تا ثبات را در بازار ارز برگردانم و حتماً هماهنگی بین بازارها را مدنظر خواهم داشت. بانک مرکزی باید از نوسانات نرخ ارز جلوگیری کند.»

رئیس بانک مرکزی همچنین گفته بود: «نباید بگذاریم فاصله‌های قیمتی موجب نوسانات روزانه ارز و تورم کالاها شود. در حال حاضر قیمت‌های گوشت، مرغ، روغن و برنج در بازار به دلیل ترجیحی بودن ارز افزایش یافته است.»

یک ماه پس از این وعده‌ها، در پاسخ به افزایش نرخ ارز گفت: «روال بازار ارز تجاری، طبیعی است» که در تعارض با التهابات قیمت در بازار ارز است و از سوی دیگر با وعده رئیس بانک مرکزی تناقض دارد.

همتی سال گذشته نیز هنگام تصدی وزارت اقتصاد از حذف ارز نیمایی به عنوان مقدمه تک‌نرخی کردن ارز دفاع کرد، اما آن رویکرد موجب استارت خوردن جهش قیمتی بود، بی‌آنکه ثبات قیمتی رقم بخورد. امسال هم دو هفته پس از ریاست همتی در بانک مرکزی (و مقارن با اغتشاشاتی که بهانه آن مشکلات اقتصادی بود)، حذف ارز ترجیحی با وعده تک‌نرخی کردن به اجرا درآمد که موجب جهش قیمت کالاها شد، اما در عین حال تا به امروز، وعده داده شده و ثبات قیمت ارز محقق نشده است.

شروع اصلاح از دولت

نمی‌توان دشمن را از دشمنی و مانع‌تراشی منصرف کرد، بنابراین در اولویت‌بندی بررسی راهکارها باید از داخل شروع کرد. نخستین اقدام ضروری دولت، تغییر مسیر از سیاست‌های مبتنی بر شوک‌درمانی به سیاست‌هایی است که در اقتصاد ایران جواب می‌دهد. البته این به معنای نفی سازوکار قیمت‌ها نیست، بلکه بر این واقعیت تأکید می‌کند که مقدمات چنین تصمیماتی در ایران فراهم نیست و نه تنها به اهداف مطلوب خود نمی‌رسد، که چرخه جهش‌های قیمتی را تکرار و تشدید می‌کند؛ کما اینکه علی‌رغم ادعای اجرای سیاست ارز تک‌نرخی، هم‌اکنون نه تنها چندین نرخ در بازار وجود دارد که تورم سنگین و ادامه‌داری هم به اقتصاد تحمیل شده است.

در این زمینه برخی مدیران ارشد و کارشناسان میانی هستند که در وزارت اقتصاد، بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه این سیاست‌ها را پخت‌وپز می‌کنند که باید مورد توجه جدی رئیس‌جمهور و همچنین نهادهای نظارتی باشند. تغییر مسیر سیاست‌گذاری، بدون جایگزینی کارشناسان باسواد، دلسوز و واقف به شرایط اقتصاد ایران ممکن نیست.

خنثی‌سازی تحریم‌های خارجی

اما در واکنش به تحریم‌ها چه باید کرد؟ پاسخ به این سؤال با موشکافی دلایل خارجی و داخلی افزایش قیمت ارز ممکن است.

دولت هم در بازاریابی فروش نفت و هم در سازوکار دریافت پول آن مشکل دارد. در مورد اول افراد مطلع خبر می‌دهند که تعویض تیم فروش نفت از ابتدای دولت چهاردهم و روی کار آمدن یک تیم ناکارآمد، ضربه بزرگی به حجم فروش نفت ایران بود. در این زمینه سریع‌ترین راهکار، استفاده از تجربیات تیم قبلی است.

درباره بازگشت ارزهای صادراتی، پای تراستی‌ها یا همان افراد و شرکت‌های معتمد برای دور زدن تحریم‌ها به بحث گشوده می‌شود. بازار ارز کشور به‌ویژه در دوره تشدید تحریم‌ها با تصمیماتی که برخی از آن‌ها از روی اجبار، برخی از روی غفلت و بعضی هم به دلیل منافع گروهی و شخصی اتخاذ شد، در مسیری متفاوت قرار گرفت. در این چارچوب، سازوکار پرداخت رسمی بین ایران و طرف‌های تجاری اصلی، جای خود را به افراد و شرکت‌هایی داده است که در قالب تراستی و صرافی به نقل و انتقال پول کشور می‌پردازند و علاوه‌بر دریافت کمیسیون‌های بالا، پول کشور را هم با بهانه‌جویی‌های مختلف نزد خود نگه می‌دارند. این سازوکار معیوب یکی از دلایل اصلی بازنگشتن ارزهای صادراتی و التهاب در بازار ارز است که برای خنثی کردن جنگ ارزی آمریکا قبل از هر کاری باید اصلاح شود.

سازوکار رسمی پرداخت برای دور زدن چرخه دلار

بدیهی است که ایران در دسترسی به سامانه تسویه بین‌المللی مبتنی بر دلار یا همان سوئیفت با محدودیت روبه‌رو است. این موضوعی جدید و منحصر به ایران نیست و چین از سال‌ها قبل سامانه جایگزین را ایجاد کرده است. شبکه پرداخت CIPS به‌صورت هفت روز هفته و ۲۴ ساعته فعالیت می‌کند و علاوه‌بر پیام‌رسانی مالی، عملیات تسویه را نیز انجام می‌دهد.

اما در این حوزه یک غفلت بزرگ رخ داده است. به گفته «حسین قاهری» رئیس اندیشکده مطالعات راهبردی ایران و چین، «در زمان راه‌اندازی CIPS، یکی از نخستین مراجعات چین به بانک مرکزی ایران بود و اعلام شد که ایران می‌تواند در این سازوکار حضور داشته باشد، اما ما گفتیم CIPS چیست! امروز اتحادیه اروپا در CIPS جایگاه دارد در حالی که ایران با وجود دعوت اولیه، از این فرصت استفاده نکرد. بیش از ۲۰۰ کشور به CIPS متصل هستند و با روند رو به رشدی که این سیستم دارد، پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ از نظر حجم تراکنش با سوئیفت برابری کند».

دور زدن گلوگاه درهم

یکی از دلایل اصلی جهش نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی، وابستگی به چرخه بین‌المللی دلار است که توسط آمریکا مدیریت می‌شود. هم‌اکنون تجارت ایران با شریک اصلی یعنی چین، از یوان به درهم امارات و از آنجا به دلار و ریال انجام می‌شود. این وضعیت باعث شده افرادی که در دبی و جبل‌علی نشسته‌اند، قیمت را به بازار تهران تحمیل کنند.

سید احسان خاندوزی، وزیر اسبق اقتصاد در این زمینه با اشاره به ضرورت اتصال به سامانه تسویه چین و رفع انحصارات مختلف به‌خصوص در واردات و صادرات اظهار کرد: «راهکار پیشنهادی ما، انتقال نقشه تجاری و ارزی کشور به شرکایی است که تحت فشار آمریکا دچار تنگنا نمی‌شوند.

بخش زیادی از تسویه‌های ارزی کشور وابسته به مبادلات درهم امارات است، اما بخشی از آن قابل انتقال است به بزرگ‌ترین شریک تجاری کشور یعنی چین؛ پروژه‌ای که تحت عنوان «پتروبوان» شناخته می‌شود».

وی ادامه داد: «پیشنهاد مشخص این است که دولت بسته اصلاح ساختار ارزی را به محوریت پترو-یوان طراحی کند تا حداقل نیمی از ارزهای صادرات نفتی و غیرنفتی ایران، از مبدأ چین منجر به واردات شود».

منافع تراستی‌ها در میان است

جالب است که وقتی از علت راه نیفتادن سازوکار رسمی پرداخت با کشورهای همسو پرسیده می‌شود، باز هم نام تراستی‌ها مطرح می‌شود.

به گفته «علیرضا پیمان‌پاک» قائم‌مقام سابق وزارت کشاورزی، «منفعت بالای استفاده از سیستم تراستی اجازه نمی‌دهد حتی یک میلیارد دلار از ۱۳۰ تا ۱۴۰ میلیارد دلار حجم تجارت کشور از طریق ظرفیت شبکه مبادلات بانک‌های چین و روسیه انجام شود».

وی افزود: «بخش عمده صادرات کشور به چین انجام می‌شود. ما در آنجا حاضر هستیم از یک شبکه تراستی نامطمئن استفاده کنیم اما حاضر نیستیم از ظرفیتی که بین یوان، روبل و سایر ارزها ایجاد شده، بهره ببریم».

پیمان‌پاک درباره واکنش نهادهای نظارتی هم توضیح داد: «جالب است که اکنون موضوع تراستی‌ها مطرح شده و وقتی برای نهادهای نظارتی توضیح می‌دهیم، آن‌ها می‌پرسند: یعنی چه؟ مگر می‌شود چنین ظرفیتی وجود داشته باشد و از آن استفاده نشود؟ علت آن چیست؟ همه تعجب می‌کنند».

به نظر می‌رسد کاهش وابستگی به درهم، بیش از آنکه یک تصمیم فنی بانکی باشد، یک تصمیم سیاسی و حاکمیتی است. این اقدام به‌معنای بازپس‌گیری کنترل بر جریان‌های مالی کشور و جلوگیری از گروگان‌گیری اقتصاد ایران در بزنگاه‌های سیاسی است. همان‌طور که در حوزه انرژی، امنیت مسیرهای صادراتی اهمیت دارد؛ در حوزه تجارت نیز امنیت مسیرهای تسویه ارزی، بخشی از امنیت ملی محسوب می‌شود.

دولت و مجموعه حاکمیت باید در این حوزه تصمیمات جدی بگیرند تا بازار ارز کشور و ارزش پول ملی به بازیچه جریان‌های ثروت‌اندوز که در زمین دشمن بازی می‌کنند تبدیل نشود.

جهش قیمت نفت همزمان با رزمایش سپاه در تنگه هرمز

قیمت نفت در معاملات روز جمعه بازار جهانی، برای سومین روز متوالی به بالاترین حد خود در شش ماه گذشته رسید.

قیمت نفت که چهارشنبه بیش از چهار درصد افزایش یافت از هفتاد دلار گذشت در روز پنجشنبه هم همچنان روند افزایش خود را پشت سر گذاشت.

روز چهارشنبه بود که ایران در رزمایش دریایی بستن تنگه هرمز را تمرین کرد. رئیس‌جمهور آمریکا هم روز پنجشنبه اعلام کرد ایران حداکثر ۱۵ روز فرصت دارد تا در مورد برنامه هسته‌ای خود به توافق برسد.

بیش از ۲۰ درصد از نفت دنیا روزانه از تنگه هرمز عبور می‌کند و طبق نوشته بلومبرگ، ایران توانایی دارد با استفاده از این ابزار قیمت نفت را تا ۱۵۰ دلار افزایش دهد.

به گزارش ایسنا، قیمت نفت برنت روز جمعه هم به بالای ۷۲ دلار در هر بشکه رسید و برای سومین روز متوالی به بالاترین حد خود در شش ماه گذشته رسید. از ابتدای هفته جاری تاکنون، بیش از شش درصد افزایش یافته است. قیمت نفت وست تگزاس اینترمدیت آمریکا نزدیک به ۶۷ دلار در هر بشکه معامله شد.

قیمت نفت امسال تحت تاثیر نگرانی‌های ژئوپلیتیکی، حدود یک ششم افزایش یافته است. معامله‌گران ریسک اختلال عرضه نفت را ارزیابی می‌کنند که از انتظارات پیرامون مازاد عرضه که در پایان سال ۲۰۲۵ بر قیمت‌ها تاثیر گذاشته بود، فراتر رفته است.

بر اساس گزارش بلومبرگ، عملیات نظامی مستمر آمریکا می‌تواند باعث افزایش بیشتر قیمت‌ها شود که به افزایش هزینه‌های بنزین در پمپ بنزین‌ها دامن می‌زند و خطر خشم رای‌دهندگان آمریکایی را پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای اواخر امسال افزایش می‌دهد.

آمار اداره اطلاعات انرژی نشان داد که ذخایر نفت خام آمریکا طی هفته گذشته، ۹ میلیون بشکه کاهش یافته که بزرگ‌ترین کاهش از اوایل سپتامبر(شهریور) تاکنون بود. ذخایر فرآورده‌های نفتی نیز در کل آمریکا کاهش یافت. این آمار از روند صعودی قیمت نفت حمایت کردند.

«جهشی تاریخی» قیمت‌ها

به دنبال افزایش قیمت نفت به بالای ۷۰ دلار در هر بشکه، وبگاه آمریکایی اکسیوس طی تحلیلی نوشت: قیمت نفت در صورت درگیری با ایران می‌تواند به ۱۳۰ دلار در هر بشکه برسد و قیمت بنزین در آمریکا هم تا سه دلار در هر گالن افزایش یابد.

بر اساس این گزارش، قیمت نفت به بالاترین رقم از تابستان گذشته رسیده است و بازار نگران ریسک‌هایی‌ست که هم برای صادرات نفت ایران دارد و نگران اختلال در عرضه سایر تولیدکنندگان منطقه است.

تحلیلگران حوزه نفت هشدار داده‌اند، نگرانی آشکار در بازارهای نفتی این است که هرگونه اقدام نه‌تنها برای عرضه نفت ایران بلکه برای جریان گسترده‌تر نفت در خلیج‌فارس چه معنایی خواهد داشت. به‌ویژه با توجه به خطر اختلال در محموله‌ها از طریق تنگه هرمز.

ایران روزانه حدود یک و نیم میلیون بشکه نفت صادر می‌کند که بیشتر به چین می‌رود اما تنگه هرمز، گذرگاه باریک دریایی در مجاورت ایران، گلوگاهی است که حدود یک‌چهارم تجارت دریایی نفت جهان از آن عبور می‌کند.

«بن کاهیل» تحلیلگر انرژی دانشگاه تگزاس-آستین، معتقد است که مسائل ژئوپلیتیک، به‌ویژه ایران، در حال حاضر عامل اصلی صعودی در بازار نفت هستند. تحلیلگران هشدار می‌دهند در صورت توقف صادرات نفت ایران بدون آسیب به زیرساخت‌ها، قیمت نفت ۱۰ تا ۱۲ دلاری در هر بشکه افزایش خواهد یافت اما حمله به آن تاسیسات افزایش بزرگ‌تری را رقم خواهد زد.

به نوشته آکسیوس، در صورت اختلال در تنگه هرمز از سوی ایران، قیمت‌ها از ۹۰ دلار فراتر می‌رود.

در سناریویی شدیدتر، ایران می‌تواند به زیرساخت‌های نفتی مانند چاه‌ها و پایانه‌های صادراتی در کشورهای بزرگ تولیدکننده خلیج‌فارس حمله کند که به نوشته آکسیوس می‌تواند جهشی «تاریخی» در قیمت هر بشکه ایجاد کند.

البته نکته مهم این است که با توجه به اینکه ترامپ از بالا رفتن قیمت بنزین خوشش نمی‌آید، درصورت درگیری، حجم و مدت آن چقدر خواهد بود.

تاثیر رزمایش دریایی ایران و روسیه

به گزارش مهر، ایران چند روز پس از بسته شدن موقت تنگه هرمز در جریان مانورهای نظامی، یک رزمایش دریایی مشترک با روسیه برگزار کرد. اقدامی که بر نگرانی‌های بازار درباره امنیت این گذرگاه راهبردی افزوده است.

ایران به‌عنوان یکی از تولیدکنندگان بزرگ نفت، در سوی دیگر شبه‌جزیره نفت‌خیز عربستان و در آن‌سوی تنگه هرمز قرار دارد.

آبراهی که حدود ۲۰ درصد از عرضه جهانی نفت از آن عبور می‌کند.

هرگونه تنش یا درگیری در این منطقه می‌تواند عرضه نفت به بازارهای جهانی را مختل کرده و به افزایش قیمت‌ها دامن بزند.

علاوه‌بر ریسک‌های ژئوپلیتیکی، گزارش‌ها درباره کاهش ذخایر نفت خام و محدودیت صادرات در برخی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان نفت جهان نیز از قیمت‌ها حمایت کرده است.

نرخ بهره پایین در کشورهای واردکننده بزرگ نفت، از جمله ژاپن، معمولاً به‌عنوان عاملی حمایتی برای قیمت نفت خام تلقی می‌شود، چرا که هزینه تأمین مالی و تقاضای انرژی را تقویت می‌کند.

با وجود کاهش سفرها به دلیل پایین آمدن قدرت خرید

سفر با اتوبوس ۲۵ درصد گران شد

نرخ بلیت تمامی ناوگان حمل‌ونقل عمومی برون‌شهری از دیروز اول اسفند ماه سال جاری، با افزایش ۲۵ درصدی مواجه شد.

به گزارش خبرگزاری فارس، احمدرضا عامری؛ رئیس اتحادیه شرکت‌های تعاونی مسافربری کشور، اعلام کرد: نرخ بلیت ناوگان حمل‌ونقل عمومی برون‌شهری از دیروز، یکم اسفند ماه ۱۴۰۴ به طور رسمی ۲۵ درصد افزایش یافته است.

این افزایش شامل انواع وسایل نقلیه مسافربری از جمله اتوبوس‌های بین‌شهری، سواری‌های کرایه، ون، مینی‌بوس و میدل‌باس‌ها خواهد بود.

او با اشاره به اینکه این رشد قیمتی در چارچوب افزایش سالانه نرخ خدمات حمل‌ونقل جاده‌ای صورت می‌گیرد، تاکید کرد: نرخ‌های جدید پس از انجام بررسی‌های کارشناسی دقیق و با هماهنگی کامل با دستگاه‌های مسئول تعیین شده‌اند.

شرکت‌های مسافربری موظف به رعایت قیمت‌های مصوب هستند و شهروندان در صورت مشاهده هرگونه تخلف می‌توانند گزارش دهند.

گفتنی است، برخی گزارش‌ها از کاهش سفرها در کشور به دلیل کاهش قدرت خرید مردم حکایت دارد اما مسئولان، گویی جز راهکار قیمتی و گرانسازی، کار دیگری بلد نیستند.

اتوبوس، وسیله سفر طبقه ضعیف جامعه است، اما به دلیل گرانی‌های مکرر بلیت از ابتدای دولت چهاردهم، این طبقه از سفر، محروم شده است.

این وضعیت به نفع شرکت‌های مسافربری و اتوبوس‌داران هم نیست.

دولت می‌تواند با حمایت نقدی و غیرنقدی در قالب دادن امکانات و تجهیزات به شرکت‌های مسافربری، از افزایش کرایه اجتناب کند.

مدیرعامل برق منطقه‌ای تهران:

۹۰ تا ۱۰۰ درصد تجهیزات برق بومی‌سازی شد

مدیرعامل برق منطقه‌ای تهران گفت: بیش از ۹۰ درصد تجهیزات مورد استفاده در طرح‌های شرکت داخلی است و در برخی بخش‌ها، مانند نصب، تست و راه‌اندازی، بومی‌سازی به ۱۰۰ درصد رسیده است. مثلا در سطح ولتاژ ۲۰ کیلوولت بومی‌سازی تقریباً کامل شده است.

به گزارش خبرگزاری تسنیم، «فرهاد شبیهی» مدیرعامل برق منطقه‌ای تهران با اشاره به برنامه‌های این شرکت برای جبران عقب‌ماندگی‌ها و فرسودگی شبکه برق، از اجرای بیش از ۱۰ طرح حیاتی و ضروری در حوزه انتقال برق خبر داد و گفت: تمرکز اصلی ما توسعه زیرساخت‌های انتقال و توزیع برق متناسب با نیاز شبکه، طرح‌های مسکن ملی و شهرک‌های صنعتی است.

شبیهی در تشریح برنامه‌های توسعه‌ای اظهار داشت: یکی از محورهای اصلی فعالیت شرکت، جبران بخشی از عقب‌ماندگی‌ها و فرسودگی شبکه برق است. طرح‌هایی که ابلاغ می‌شود پس از پالایش در مجموعه و بررسی‌های فنی، برای اجرا در حوزه توسعه تجمیع و ابلاغ می‌شود. وی افزود: بخشی از طرح‌ها نیز براساس نیازهای واقعی شبکه و پیشنهاد معاونت‌های بهره‌برداری و برنامه‌ریزی از داخل شرکت تعریف و ارسال می‌شود تا در قالب یک برنامه منسجم به مرحله اجرا برسد.

شبیهی با اشاره به گروه‌بندی طرح‌ها گفت: طرح‌هایی که در حال پیگیری آنها هستیم، به دو بخش مهم تقسیم می‌شوند. طرح‌های مرتبط با مسکن ملی در سطح استان‌ها و طرح‌های شهرک‌های صنعتی که هر کدام قالب و فرمت اجرائی خاص خود را دارند.

به گفته وی، مجموع طرح‌های جاری و آتی شرکت، شامل برنامه‌های سال جاری و بخشی از طرح‌های سال آینده، رقمی در حدود ۳۲ هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری را شامل می‌شود.

شبیهی با تشریح وضعیت طرح‌های جاری شرکت گفت: در حال حاضر ۸۳ طرح جاری در شرکت برق منطقه‌ای تهران در دست اجراست که مجموع قراردادهای منعقد شده برای آنها حدود هشت و نیم هزار میلیارد تومان است. تعدادی طرح دیگر نیز در مراحل مختلف مطالعاتی، تهیه اسناد مناقصه یا برگزاری مناقصه قرار دارند که به‌زودی برای عقد قرارداد و اجرای عملیاتی اعلام می‌شوند.

مدیرعامل شرکت برق منطقه‌ای تهران با تاکید بر ماموریت اصلی این شرکت خاطرنشان کرد: وظیفه ما تولید برق نیست. تولید چه از نیروگاه‌های حرارتی، برق‌آبی یا انرژی‌های تجدیدپذیر انجام شود، ما موظفیم برق تولید شده را تحویل بگیریم و از طریق شبکه انتقال به نقاط مصرف برسانیم.

وی افزود: ایجاد خطوط انتقال، پست‌های انتقال و زیرساخت‌های مرتبط، ماموریت اصلی برق منطقه‌ای تهران است و تمام طرح‌های ما در همین چارچوب تعریف می‌شود.

شبیهی با اشاره به بومی‌سازی تجهیزات صنعت برق گفت: بیش از ۹۰ درصد تجهیزات مورد استفاده در طرح‌های شرکت داخلی است و در برخی بخش‌ها، مانند نصب، تست و راه‌اندازی، بومی‌سازی به ۱۰۰ درصد رسیده است. در سطح ولتاژ ۲۰ کیلوولت بومی‌سازی تقریباً کامل شده و در سطوح ۶۳، ۱۳۲، ۲۳۰ و ۴۰۰ کیلوولت نیز اقدامات جدی در حال انجام است، هرچند در برخی تجهیزات مانند رله‌ها همچنان وابستگی وارداتی وجود دارد.

مدیرعامل برق منطقه‌ای تهران نقش شرکت‌های دانش‌بنیان را مهم ارزیابی کرد و گفت: شرکت‌های دانش‌بنیان به‌صورت غیرمستقیم در کنار تولیدکنندگان داخلی تجهیزات برق فعالیت می‌کنند و ما به‌عنوان بهره‌بردار نهائی، اثر این همکاری‌ها را در نگهداری و توسعه شبکه به‌وضوح مشاهده می‌کنیم.

هشدار افزایش مصرف آب در ایام خانه‌تکان